

صدای هنر در روزهای خون

فریادی بلندتر از موشک و پهپاد

در روزهایی که آسمان شهر های ایران خون آلود است، صدای برخی از هنرمندان بلندتر از موشک و پهپاد شنیده می شود. گاه با شعری کوتاه، گاه با تصویری بی واسطه، و گاه تنها با یک «نه» بلند.

روایت لاله اسکندری از انفجار خانه پدری؛

اتفاق هایی که شبیه فیلم هاست

لاله اسکندری بازیگر تلویزیون و سینما که منزل مادری اش در جریان حملات رژیم صهیونیستی به برخی مناطق پایتخت، آسیب دیده است، درباره حس و حال خود در این روزها، بیان کرد: مادرم منزل بود و انفجاری در فاصله ای بسیار نزدیک به منزلش رخ داد و خدا را شکر که خودش به این دلیل که از پنجره ها فاصله داشت، آسیبی ندید. وی ادامه داد: دفتر کارم نیز نزدیک به خیابان صابونچی بود و در اثر انفجاری که در آن خیابان رخ داد، آسیب دید و ممکن بود در هر کدام از این حوادث ما هم قربانی جنگ شویم. اسکندری تصریح کرد: دیدن تصاویری که از انفجارهای نقاط مختلف منتشر می شود برای من واقعا تلخ است و به یاد کودکی و جنگ ایران و عراق می افتم.



بسیاری از صحنه های بمباران در دوران دفاع مقدس را هنوز به خاطر دارم و زمانی که خانه مادرم آسیب دید، همان تصاویر قدیمی از جنگ تحمیلی در ذهنم تداعی شد. بازیگر سریال «محرمانه» افزود: بسیاری از فیلم ها و عکس هایی که این روزها دست به دست می شوند، شبیه سکانس فیلم هایی است که بازی می کنیم. در سریال «خاک سرخ» سکانسی دارم که به خانه پدری می رسم و می بینم که خانه بمب خورده و همه چیز از بین رفته است. زمانی که منزل مادرم در این روزها آسیب دید، حس عجیبی داشتم و باور نمی کردم که این اتفاقات واقعی باشد. وی ادامه داد: من همیشه آرزوی صلح دارم و دلم می خواهد دنیا به دور از جنگ و خشونت باشد، اما متأسف هستم که در سال های اخیر صلح کم رنگ شده و فواصل اتفاقات بد کاهش یافته است. واقعا آرزو می کنم که به زودی آرامش حکم فرما شود.

اسکندری در مورد فعالیت های بازیگری خود پیش از حمله اسرائیل به کشور نیز عنوان کرد: مشغول بازی در سریال «بامداد خمار» به کارگردانی نرگس آبیاری بودم که چند روز قبل از این اتفاقات تعطیل شده بود و نمی دانم چه زمانی مجدداً سر کار برمی گردیم. فکر می کنم سایر تولیدات سینمایی و تلویزیونی نیز احتمالاً متوقف شده اند و باید دید در آینده شرایط به چه شکل پیش می رود. بازیگر سریال «در چشم باد» در پایان عنوان کرد: شنیدن صدای زنده های و نگرانی هایی که تجربه می کنیم واقعا توان روحی می خواهد. فعلا سعی می کنیم کنار هم باشیم و به یکدیگر روحیه بدهیم تا هر چه زودتر به شرایط عادی برگردیم.

مهران مدیری

شعری قدیمی از خود منتشر کرد؛

میهنم را زنده نگه می دارم



مهران مدیری در واکنش به تجاوز رژیم صهیونیستی به کشورمان شعری از خود تحت عنوان «میهنم را زنده نگه می دارم» که مربوط به سال ۱۳۶۶ در کردستان است، منتشر کرد.

در متن این شعر آمده است: چقدر دورند، آدم های دوست داشتنی چقدر دورند ...

آدم های مریخی های چهار روزه ...

بوی جنگ می دهم

با این سیگارهای خیس

با این چکمه های پراز شن

از گوشه سنگر

یاس های کوچک سپید می چینم

خودم را زنده نگه می دارم

میهنم را زنده نگه می دارم.

مهران مدیری / کردستان ۱۳۶۶

یادداشت رضایان در نکوهش وطن فروشی

روسیاهی می ماند برای جنگ افروزان



رضا کیانیان با نگارش یادداشتی با عنوان «دشمن یا خائن؟» با نکوهش وطن فروشی یادآوری کرده است که ایران مادر طول تاریخ چه جنگ ها پشت سر گذاشته اما همچنان زنده مانده و روسیاهی جنگ برای جنگ افروزان مانده است.

این بازیگر در یادداشت خود که آن را در اختیار ایسنا قرار داده، نوشته است:

«دشمن یا خائن؟»

جنگ، بالاخره یک روز تمام می شود. شعله های همه جنگ ها روزی خاموش شد. نعره های جنگ افروزان روزی ساکت شد. نمی دانم جنگ های عالم جان چند میلیون نفر را گرفته اند؟ چه خرابی هایی به بار آورده اند؟ اما هیچ کدام همیشگی نشدند... و در نهایت رو سیاهی اش ماند برای جنگ افروز.

صدام، هشت سال با کمک و پشتیبانی همه قدرت های جهانی، از روسیه تا آمریکا و اروپا از زمین و آسمان به ایران تاخت و بر سر ما آتش گشود. هشت سال...! ما مُردیم، بی خانمان شدیم، آواره شدیم، قهرمانانی از میان کوچه و بازارمان پیدا شدند، جنگیدند، کشته شدند، اسیر شدند و آزاد شدند. سرزمین های کوچک و بزرگ کشورمان دست به دست شدند ولی بالاخره تمام شد... و پس از مدتی صدامی که می غرید، مست قدرت بود، نعره می زد، گریخت و همچون موش کوری به زیر زمین خزید و پنهان شد، اما همان دوستان اش پیدایش کردند و به دار آویخته شد. سرنوشت هیچ جنگ افروزی پایان خوشی نداشته.

تاریخ ایران روایتگر حملات سخت است؛ از اسکندر مقدونی و تازی ها و صدام و چنگیز مغول، محمود افغان و روسیه تا نتانیاهوی تازه به دوران رسیده، به ما حمله کردند. ما را قتل عام کردند. ما بارها مُردیم و باز زنده شدیم. کشور ما تکه پاره شد. مرزها جابه جا شدند. ولی باز گرد هم آمدیم. وقتی به بعضی کشورهای همسایه می رویم، با ما فارسی حرف می زنند. ساکنان کشورهایی تا مرز چین، زبان شان فارسی است. همان خراسان بزرگ که به قطعات کوچک تقسیم شده است.

ما مردم مهربانی هستیم. بارها در خانه هاما را به روی آوارگان جنگ زده ای دیگر کشورهای جهان گشوده ایم و پناه شان دادیم اما بیشتر از تشکر، ناسپاسی دیدیم. مثل همین نیاکان اسرائیلیان در سده های گذشته که در دوران سخت سرگردانی و آوارگی شان به ما پناه آوردند و ما پذیرفتیم. ما با زخم های کهنه و نو بر تن، بودن، را ادامه دادیم.

امروز نوبت تهران است. زخمی تر از همه جای وطن. پر آواره تر از همه، خانه خراب تر از هر شهر دیگر، اما هنوز نفس می کشد. هنوز سر خم نکرده است و نخواهد کرد.

می دانم فردا که جنگ را پشت سر گذاشتیم و خانه هاما را دوباره ساختیم، نتانیاهو به سرنوشت صدام گرفتار آمده و خائنین داخلی بیشتر شان رسوا شده اند. همان ها که بارها مردم شان را ارزان فروختند.

در فیلم «اسب کهر را بنگر»، چریک پیر نیروی مقاومت فرانسه، تنگ و عصای کوه پیما می اش را بر می دارد و کوه ها را پیاده پشت سر می گذارد. وقتی به اسپانیا می رسد، جایی مشرف به اتاق فرماندهی جنگ کمین می کند، پشت پنجره، فرمانده دشمن را همراه با خانسی از هموطنانش می بیند. هر دو در تیر رس او هستند. اما یک گلوله بیشتر نمی تواند شلیک کند. فقط یک نفر را می تواند هدف قرار دهد. چون با صدای تیر، نفر دوم می گریزد. فرمانده نیروهای دشمن، یا هموطن خائن؟ مردد است. چند بار نشانه می رود. دشمن یا خائن؟ به روی هیچ کدام ماشه را نمی چکاند. کدام یک مستحق این تیر هستند؟ بالاخره شلیک می کند. فرمانده دشمن می گریزد و هموطن خائن در خون خود به زمین می غلتد.

بابک خواجه پاشا، کارگردان سینما؛

ما با ایران زنده ایم و بی آن می میریم

ایرانم، شانه پر مهرت اوج آرامش ماست.

در آغوش تو بودن تمام جهان ماست. ما با تو زنده ایم و بی تو می میریم. جوانان و غیور مردان این دیار سرفراز این سرزمین شریف همچون یلان و نام آوران تا آخرین نفس پرچمت را بر فراز دماوند حفظ خواهند کرد. ما روزی قصه ی پهلوانان را دوباره برای کودکانمان خواهیم خواند.

یقین دارم امروز جوانان دوباره همچون باکری ها خیبری دوباره را فتح خواهند کرد.

بابک خواجه پاشا، کارگردان فیلم هایی نظیر «در آغوش درخت» و «آبی روشن» به حملات رژیم صهیونیستی واکنش نشان داد و بر لزوم همدلی و وطن دوستی تأکید کرد. وی در پی حملات رژیم صهیونیستی اسرائیل یادداشتی اختصاصی در اختیار صبا قرار داد. در این یادداشت آمده است:



علیرضا تابش مدیرعامل و نایب رئیس هیئت مدیره هلدینگ گردشگری تأمین اجتماعی (هگتا):

جنگ افروزی اسرائیل میراث فرهنگی را تهدید می کند

پیامدهایی زیست محیطی و اجتماعی در سطح منطقه ای و جهانی به همراه داشته باشد. تابش همچنین در این نامه ها به جایگاه برجسته ایران در میراث جهانی اشاره کرده و نوشته است: «ایران با داشتن ده ها اثر ثبت شده در فهرست یونسکو و هزاران میراث تاریخی ملموس و ناملموس، بخش مهمی از حافظه فرهنگی بشریت را در خود جای داده است و تهدید این گنجینه ها، موضوعی فراتر از مرزهای ملی است.» او خطاب به رؤسای WTTTC و PATA نیز نوشته است: «ملت ایران، با سابقه ای کهن در مهمان نوازی، صلح و فرهنگ، از سحرگاه ۱۳ ژوئن تاکنون در حال عازماری برای از دست دادن کودکان، مادران، خدمت گذاران ملی و شخصیت های علمی و فرهنگی خود است و با صبر و استقامت در برابر حمله ای آشکار به حاکمیت و امنیت خود ایستاده است.»

وی با بیان اینکه فعالان گردشگری ایران با وجود چالش ها همواره در مسیر تعامل و ارتباط ملت ها ایستاده اند، از نهادهای بین المللی خواسته است «در کنار ما صدای مردمی باشید که ریشه در تاریخ همه جهانیان دارد.» او در بخش دیگری از نامه خود تأکید کرده است که «سکوت سازمان های تخصصی گردشگری در برابر این اتفاقات تلخ، می تواند فاصله میان صنعت و وجدان انسانی را بیشتر کند. دعوت می کنیم با موضع گیری اخلاقی و حرفه ای، نشان دهیم که صنعت گردشگری، در روزهای سخت نیز در کنار مردم، فرهنگ و صلح باقی می ماند.»

علیرضا تابش، مدیرعامل و نایب رئیس هیئت مدیره هلدینگ گردشگری تأمین اجتماعی (هگتا)، در نامه ای رسمی به دبیر کل سازمان جهانی گردشگری (UNWTO)، رئیس اتحادیه جهانی سفر و گردشگری (WTTTC)، و رئیس اتحادیه کشورهای آسیا-اقیانوسیه برای سفر و گردشگری (PATA)، نسبت به تهدیدات ناشی از حملات نظامی اخیر به زیرساخت های غیر نظامی ایران هشدار داد و خواستار موضع گیری شفاف و حمایت عملی این نهادها از میراث فرهنگی ایران شد. در این نامه ها که به دنبال حمله نظامی اخیر به خاک ایران در تاریخ ۱۳ ژوئن نگاشته شده اند، تابش ضمن تأکید بر اصول بنیادی نهادهای گردشگری جهانی از جمله صلح، احترام متقابل، توسعه پایدار و حفاظت از میراث فرهنگی و طبیعی، تصریح کرده است که تداوم حملات به زیرساخت های غیر نظامی و فرهنگی، نه تنها تهدیدی علیه یک کشور، بلکه خطری جهانی برای حافظه تاریخی بشر به شمار می رود.

مدیرعامل هگتا هشدار داده است که حمله به فرودگاه ها، مناطق مسکونی و حتی تأسیسات صلح آمیز هسته ای، صرف نظر از تبعات حقوقی آن، با اصول اخلاقی گردشگری پایدار در تضاد است و می تواند

